



Original Article

The Mutual Influences and Innovations of International Humanitarian Law and International Criminal Law in Development and Evolution of International Law

Meysam Norouzi¹, Gholam Ali Abdollah-Zadeh²

ABSTRACT

International humanitarian law is in a generality and peculiarity in some aspects with international criminal law. International humanitarian law is used as a reference point in understanding and interpreting the rules of war crimes and conversely, international criminal law is considered as one of the methods of guaranteeing the implementation of the violation of the fundamental rules of international humanitarian law. Examining the relationship between these two legal systems helps us to better understand the depth of the concepts of international criminal law and international humanitarian law. Therefore, with the aim of examining the degree of mutual influence of these two legal systems from each other and review the scope and examples of this effect, the main question is how have these two legal systems had mutual influence on each other's development and evolution? and in which areas is this impact on international law an innovation? The hypothesis under assessment is based on the fact that these two legal systems help to each other's continuous development and evolution in a mutual effect and in a cyclical relationship. In this descriptive-analytical research conducted in a library manner, the findings show that due to the necessity of a precise definition of crime as one of the basic notions of the international criminal law system, the development of this system has inevitably been led to the elimination of ambiguity in defining cases of serious violations of international humanitarian law and the rules of humanitarian law have also caused the gradual development of international criminal law in the field of new criminalizations and as a result the development of international law in the fields of international environmental crimes and crimes against cultural and historical monuments.

KeyWords: War Crimes, International Humanitarian Law, International Criminal Law, International Law, Human Rights

How to Cite: Norouzi, Meysam, Abdollah-Zadeh, Gholam Ali, "The Mutual Influences and Innovations of International Humanitarian Law and International Criminal Law in Development and Evolution of International Law", Legal Research, Vol. 27, No. 108, 2024, pp: 189-206.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.230253.2429>

Received: 15/01/2023-Accepted: 23/10/2023

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Corresponding Author Email: m.norouzi@basu.ac.ir

2. Ph.D., Candidate, Faculty of Law, Payam Nour University, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



مقاله علمی- پژوهشی

تأثیرات و نوآوری‌های متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل

میثم نوروزی^۱، غلام‌علی عبداله‌زاده^۲

چکیده

حقوق بشردوستانه بین‌المللی در یک رابطه عموم و خصوص من وجه با حقوق بین‌الملل کیفری قرار دارد. حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان یک نقطه مرجع در فهم و تفسیر مقررات جنایات جنگی به کار می‌رود و در مقابل، حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان یکی از روش‌های ضمانت اجرای نقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌شود. بررسی تناسب این دو نظام حقوقی، ما را در شناسایی هرچه بهتر عمق مفاهیم حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی کمک می‌کند. لذا با هدف بررسی میزان اثرپذیری متقابل این دو نظام حقوقی از یکدیگر و بررسی دامنه و مصادیق آن، این پرسش اصلی مطرح است که تأثیرات متقابل این دو نظام حقوقی بر توسعه و تحول یکدیگر به چه منوال بوده است و این اثرگذاری بر حقوق بین‌الملل در کدام حوزه‌ها نوآوری محسوب می‌شود. فرضیه مورد ارزیابی مبتنی بر آن است که این دو نظام حقوقی در یک اثربخشی متقابل و در یک رابطه دورانی به توسعه و تحول مستمر یکدیگر یاری می‌رسانند. در این پژوهش توصیفی- تحلیلی که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، یافته‌ها نشان می‌دهد که نظر به ضرورت تعریف دقیق جنایت به‌عنوان یکی از اصول اساسی نظام حقوق بین‌الملل کیفری، توسعه این نظام به ناگزیر موجب ابهام‌زدایی از تعریف موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است و قواعد حقوق بشردوستانه نیز موجب توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه جرم‌انگاری‌های جدید و در نتیجه توسعه حقوق بین‌الملل در حوزه‌های جنایات بین‌المللی زیست‌محیطی و جنایات علیه آثار فرهنگی و تاریخی گردیده است.

کلید واژگان: جنایات جنگی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر.

استناد به این مقاله: نوروزی، میثم، عبداله‌زاده، غلام‌علی، «تأثیرات و نوآوری‌های متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در توسعه و تحول حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۸، دی ۱۴۰۳، صص: ۱۸۹-۲۰۶.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.230253.2429>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

۱. استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: m.norouzi@basu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

با تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، حاکمیت دولت‌ها به سمت ضابطه‌مندی سوق پیدا کرده است. یکی از حوزه‌های این ضابطه‌مندسازی جنگ است. محدودیت، تلطیف و قانونمندسازی آداب و رسوم جنگ و حمایت از قربانیان همواره دغدغه بشریت بوده است. بشریت دیگر قبول نمی‌کند قربانیان در سایه حاکمیت دولت‌ها در سکوت رنج ببرند یا عاملان ارتکاب جنایت از عدالت فرار کنند. تأسیس دیوان‌های کیفری بین‌المللی تجلی بخشی از این امید تلقی می‌شود و می‌توان آن را مهم‌ترین گام در سال‌های اخیر برای حمایت از حقوق بشر و بشردوستانه دانست. بدون حضور دیوان بین‌المللی کیفری، ما به جهانی آشفته‌تر که در آن هرج و مرج، بی‌ثباتی و خشونت به‌عنوان هنجارهای اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌شوند، بازگشت خواهیم کرد.^۱ بررسی تناسب این دو نظام حقوقی، ما را در شناسایی هرچه بهتر عمق مفاهیم حقوق بین‌الملل کیفری و همچنین درک خلأهای حقوق بشری موجود در دادگاه‌های بین‌المللی کمک می‌کند. هرچند حقوق بین‌الملل کیفری نیازمند حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، این وابستگی دوسویه است. در یک تعامل متقابل، حقوق بین‌الملل کیفری نیز مبادرت به تغذیه، تدارک و تقویت اجرای بهتر حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌کند. لذا اهمیت واکاوی تأثیرات متقابل این دوشاخه مهم حقوق بین‌الملل در راستای دستیابی به صلح پایدار بیش‌ازپیش تجلی می‌یابد. هدف بر آن است که تأثیر دو نظام حقوق بشردوستانه بین‌المللی و نظام کیفری بین‌المللی بر توسعه و تحول متقابل واکاوی شود. نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مشابه، بررسی تأثیرات متقابل به‌صورت عینی و واکاوی مصداقی پرونده‌ها و مصادیق بین‌المللی این دو حوزه، واکاوی سیر تاریخی و اثر آن بر توسعه و تحول حقوق بین‌الملل در حوزه‌های جدیدی همچون عدالت زیستی و حمایت از محیط‌زیست و آثار تاریخی و فرهنگی است. در این پژوهش به این سؤال اصلی پرداخته شده است که تأثیرات متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در توسعه و تحول یکدیگر و در نتیجه توسعه حقوق بین‌الملل به چه شکل بوده است؟ فرضیه مورد ارزیابی بر این اصل قرار گرفته است که این دو نظام حقوقی در یک اثربخشی متقابل و در یک رابطه دورانی به توسعه و تحول مستمر یکدیگر یاری می‌رسانند و توسعه دغدغه‌های حقوق بشردوستانه منجر به توسعه جرم‌انگاری‌ها در نظام حقوق بین‌الملل کیفری شده است؛ متقابلاً رویه دیوان‌های کیفری بین‌المللی به توسعه حقوق بشردوستانه کمک کرده و این تأثیرات متقابل هم به‌نوبه خود باعث توسعه و تحول حوزه‌های جدیدی در حقوق بین‌الملل شده است. لذا این پژوهش در دو بخش سازمان‌دهی شده است: در بخش نخست به تأثیرات متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در توسعه و تحول یکدیگر پرداخته شده و در بخش دوم، نوآوری‌های ناشی از تأثیرات متقابل حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در حقوق بین‌الملل مورد بحث قرار گرفته است.

۱. تأثیرات متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری

عدالت کیفری بین‌المللی بر اجرای قوانین کیفری بین‌المللی متمرکز است. قانونی که «مجازات» آن را پشتیبانی نکند، به‌سرعت اعتبار خود را از دست می‌دهد. بر همین اساس به‌منظور مجازات جنایات شدید بین‌المللی، تأسیس دیوان‌های کیفری بین‌المللی در دستور کار جامعه بین‌المللی قرار گرفت. هر یک از دیوان‌های کیفری به‌منظور توسعه خودشان به حقوق بشردوستانه اشاره کرده‌اند. باید اذعان داشت که قدیمی‌ترین جنایات شناخته‌شده حقوق کیفری بین‌المللی نقض

¹. Bensouda, Fatou. "Document of 15th Session of the Assembly of States Parties", 16 November, *World Forum*, The Hague, Netherlands, 2016.P 8.

قوانین بشردوستانه بین‌المللی است.^۱ به علت ضروریات خاص نظام حقوق کیفری، دامنه عناصر جنایات بسط و گسترش می‌یابد و بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌طور دقیق‌تر ساخته و برخی از قواعد جدید نیز ایجاد می‌شوند^۲ که در ادامه به تشریح آن پرداخته می‌شود.

۱.۱. وجوه افتراق و اشتراک

«انسان» یا «بشر» وجه مشترک و اساس این دو نظام حقوقی است. هر دو در رابطه با افراد انسانی مقرراتی دارند؛ یکی به تبیین حقوق انسان‌ها و دیگری به مسئولیت کیفری در قبال نقض آن حقوق انسانی پرداخته است. به هر ترتیب فرایند ایجاد یک نظام حقوق بین‌الملل کیفری، محدوده‌هایی فراتر از آنچه بشری کردن حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در برمی‌گیرد درمی‌نوردد.^۳ حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری دو نظام حقوقی به‌هم‌پیوسته و مکمل یکدیگرند؛^۴ لیکن همه قواعد جنگ بشردوستانه نیستند.^۵ حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شکل توسعه‌یافته و تقویت‌شده حقوق بین‌الملل سنتی جنگ محسوب می‌شود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر به توسعه حقوق بین‌الملل کیفری کمک می‌کنند و در تفسیر و کاربرد آن مشارکت دارند (و عکس آن هم صحیح هست). لیکن خط‌مشی حقوق بین‌الملل کیفری، ضمانت اجرای مقررات در سه حوزه از حقوق بین‌الملل یعنی حقوق جنگ، حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بوده و اعم از دامنه حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. برای حصول اطمینان از اینکه حقوق بشر در همه موقعیت‌ها اعمال می‌شود، حقوق بین‌الملل بشردوستانه به مسئولیت و حقوق طرفین درگیر مخاصمه مسلحانه و کشورهای بی‌طرف، به‌ویژه در ارتباط با افراد غیرنظامی می‌پردازد^۶ و حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند به‌عنوان یک جایگزین زمانی که دولت‌ها قادر به پیروی از تعهدات حقوق بشری نیستند، در نظر گرفته شود. حقوق بین‌الملل کیفری با مسئولیت کیفری اشخاص برای نقض جرائم شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر مرتبط است. حقوق بشردوستانه بین‌المللی درصدی تحدید آثار مخرب مخاصمات مسلحانه بوده و حقوق بین‌الملل کیفری درصدی پیشگیری از ارتکاب جنایات شدید بین‌المللی با وضع مجازات است. نظام قواعد رفتاری در حقوق بین‌الملل بشردوستانه در چارچوب قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل کیفری رشد و توسعه یافته است.^۷ حقوق بین‌الملل کیفری ضمانت اجرای مقررات حقوق بشر و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بر عهده دارد. حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأمین‌کننده بخش اصلی مسائل و قواعد

1. Heller, Kevin Jon. et al, *Oxford Handbook of International Criminal Law*, Oxford University Press, 2020, P 719.

2. Cassese, Antonio. *International Criminal Law*, Oxford University Press, Second Edition, 2008, PP 145-147.

3. رضوی‌فرد، بهزاد، «مسئله مجازات در حقوق دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا در پرتو حقوق کیفری بین‌المللی معاصر»، مقطع دکتری، رشته حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵. ص ۲۵.

4. نوروزی، میثم، «ابعاد و فرآیندهای متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در حوزه قواعد شکلی»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۲۱، ۱۳۹۶، ص ۹۱.

5. عزیززاده جواهری، سید میلاد، عباس شیخ‌الاسلامی و جعفر کوشا، «چالش‌ها و موانع جرم‌انگاری و کیفر جنایات ناقض حقوق بشردوستانه. تحقیقات حقوقی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، ۱۴۰۱، ص ۱۹۹.

6. مولاوردی، شهین‌دخت، «تأثیر حقوق و محاکم کیفری بین‌المللی بر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۳۹۵، ص ۱۱۹.

7. سیاپوش، علی‌اکبر، «نقش محاکم کیفری بین‌المللی در توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۷.

ماهوی حقوق بین‌الملل کیفری در خصوص جنایات جنگی است. درحقیقت بین حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشردوستانه رابطه‌ی عموم و خصوص وجود دارد. بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل کیفری معطوف به مجازات ناقضان قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است؛ درحالی‌که قواعد کیفری ناظر به مجازات مرتکبان جنایت علیه بشریت در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار ندارد. از سوی دیگر، برخی از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مانند مقررات حاکم بر نحوه‌ی اداره‌ی سرزمین‌های اشغالی یا نقض عادی مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری قرار نمی‌گیرد. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر به توسعه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری کمک می‌کنند و در تفسیر و کاربرد آن مشارکت دارند. قواعد و اصول مربوط به درگیری‌های بین‌المللی به درگیری‌های مسلحانه داخلی تسری پیدا کرده است و شناسایی جنایاتی همچون قتل، حملات علیه مردم غیرنظامی، تخریب اموال، تجاوز، غارت کردن، هتک حرمت کرامت انسانی، هدایت حملات علیه کارکنان، تأسیسات یا وسایل نقلیه‌ی درگیر در یک مأموریت حفظ صلح به‌عنوان مصادیق جنایات جنگی را می‌توان ثمره‌ی این تفسیر و مشارکت دانست.

قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای اشخاص حقوق و تکالیفی وضع کرده است. اما حقوق بین‌الملل کیفری «قواعدی» به‌منظور اجرا و مجازات «اشخاصی» که مرتکب نقض جنایات جدی همچون کشتار جمعی (نسل‌کشی)، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت تجاوز شده‌اند ارائه می‌کند. یکی از مهم‌ترین مبانی تأسیس سازمان‌های بشردوستانه همچون صلیب سرخ جهانی، بی‌طرفی در مخاصمات مسلحانه بوده و از این‌رو در درگیری‌های مسلحانه، غالباً بازیگران بشردوستانه سعی می‌کنند از بازیگران عدالت کیفری دوری جویند تا از اتهام نقض بی‌طرفی مبرا باشند. مصداق این رویه در اواسط سال ۲۰۰۰ در شمال اوگاندا اتفاق افتاد. در آن قضیه کارکنان دیوان کیفری بین‌المللی از خودروهایی با نشان‌واره‌ی مشابه سازمان‌های بشردوستانه بهره‌برداری کردند؛ اما به‌محض آنکه چنین اتفاقی علنی شد سازمان‌های بشردوستانه از این عمل تبری جستند.^۱

حقوق بین‌الملل کیفری بر توسعه و شفاف‌سازی قواعد ماهوی حقوق بین‌الملل هم اثرگذار بوده است. مقررات حقوق بشردوستانه در حوزه‌ی حمایت از آثار فرهنگی و تاریخی موجب توسعه‌ی تدریجی حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه‌ی جرم‌انگاری این جنایات بین‌المللی و توسعه‌ی حقوق بین‌الملل شده است. توسعه‌ی جنایات بین‌المللی زیست‌محیطی، هم به‌عنوان یک جنایت جدید بین‌المللی و هم به‌عنوان مصداقی از جنایات علیه بشریت، مرهون همین اثرگذاری حقوق بین‌الملل کیفری بر حقوق بین‌الملل است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان یک نقطه‌ی مرجع در فهم و تفسیر مقررات جنایات جنگی به کار می‌رود. از سویی دیگر، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری به‌طور پیوسته بعد از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل دادگاه نورنبرگ توسعه پیدا کرده است.

۱.۲. نقش حقوق بین‌الملل کیفری در توسعه‌ی مفهوم حقوق بشردوستانه عرفی

یکی از اثرگذاری‌های حقوق بین‌الملل کیفری بر حقوق بشردوستانه، توسعه‌ی قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. رویه‌ی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری از جمله یوگسلاوی سابق نقش بسیار مهمی در توسعه‌ی حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی ایفا کرده است. قضات دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای حل مسائل رویه‌ای و اثباتی، به‌ویژه هنگامی که منابع قابل‌استفاده خلأ پیدا می‌کنند، از حقوق بین‌الملل عرفی بهره می‌برند.^۲ جنایات بین‌المللی حقوق بشردوستانه

^۱. Heller, et al, Op. Cit., P 723.

^۲. Doria, José. et al, *The Legal Regime of the International Criminal Court*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009, P 77.

همچون نقض حق حیات، شکنجه و مجازات یا رفتار غیرانسانی، برده‌داری و کار اجباری اعمالی است که توسط منابع حقوق بشردوستانه بین‌المللی منع شده و مسئولیت کیفری فردی را که مرتکب این اعمال شده یا آمر بدان بوده است به دنبال دارد. این جنایات ممکن است توسط قواعد حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهداتی جرم‌انگاری شود. شورای امنیت هم در این خصوص تأکید داشته است که در راستای اجرای اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نهادهای کیفری بین‌المللی باید قواعدی از حقوق بشردوستانه را اعمال کنند که فراتر از هر تردید و شبهه‌ای بخشی از حقوق عرفی بین‌المللی تلقی می‌شوند.^۱ امروزه روشن است که هنجارهای ماده سه مشترک مبنی بر منع هرگونه تبعیضی که ناشی از نژاد، رنگ، عقیده، جنس، اصل و نسب یا هر علت مشابه آن باشد و رفتار براساس اصول انسانیت، منع لطمه به حیات یا تمامیت بدنی، زخمی کردن و رفتار بی‌رحمانه، منع شکنجه و لطمه به حیثیت اشخاص و برقراری جامع تضمینات قضایی که ملل متمدن ضروری می‌دانند، وجهه حقوق عرفی را به دست آورده‌اند. کشورهای زیادی همانند استرالیا، موریتانی، اسلواکی، نیکاراگوئه، پرو و سریلانکا با قوانین کیفری داخلی خود اقداماتی را جرم‌انگاری کرده‌اند که اگر در حین درگیری مسلحانه داخلی انجام شود، نقض ماده سه مشترک محسوب می‌شود. رویه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در پرونده‌های بلاسکیچ^۲، تادیچ^۳، کوپرسکیچ^۴، کاردیچ^۵ و چرکیز نیز مؤید همین رویه است. در حکم بلاسکیچ در سال ۲۰۰۰ این‌گونه اظهار شد که طرفین متخاصم متعهد به تلاش برای تمایز بین اهداف نظامی و اشخاص غیرنظامی به‌عنوان حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی هستند.^۶ اصل تمایز یکی از اصول بنیادین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که به‌منزله یک قاعده عرفی شناخته می‌شود^۷ و امروزه چالش عمده‌ای که حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید به‌خصوص در جنگ‌های نابرابر بدان توجه کند تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان است.^۸

از سوی دیگر، رویه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، به‌خصوص در قضیه تادیچ^۹ و کوپرسکیچ^{۱۰} و نیز رویه کمیسیون امریکایی حقوق بشر در قضیه مربوط به وقایع لاتابلا در آرژانتین همگی دال بر این واقعیت‌اند که تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان در درگیری‌های مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی به‌صورت قاعده عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است.^{۱۱} دادگاه در قضیه مارتیچ^{۱۲} مشروعیت استفاده از بمب‌های خوشه‌ای براساس حقوق بین‌الملل عرفی را مورد بررسی قرار داد؛ از جمله ممنوعیت حملات بی‌هدف که در آنها از روش‌ها و ابزارهایی استفاده می‌شود که به‌سوی هدف نظامی مشخص قابل هدایت نیستند. دادگاه یوگسلاوی سابق در قضیه کوپرسکیچ به اصول هدف‌های نظامی و غیرنظامی، مناطق نظامی و غیرنظامی، لزوم اتخاذ تدابیر احتیاطی در برابر اثرهای حمله و اخطار مؤثر قبل از حمله به مناطق غیرنظامی

¹ S/25704, 3 May, 1993, P 34.

² Blaškić

³ Tadić

⁴ Kupreškić

⁵ Kerdić

⁶ The Prosecutor v. Tihomir Blaskic. "Statement of the trial Chamber at the judgement Hearing", 3 March, ICTY, 2000, P 29.

⁷ Final Report to the Prosecutor by the Committee Established to Review the NATO Bombing Campaign Against the Federal Republic of Yugoslavia, *The Hague*, 14 June, § 29, ICTY, 2000.

^۸ شایگان، فریده و جمشید ممتاز، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر*، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۹.

⁹ The Prosecutor v. Tadic, "Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction", 2 October., Case No. IT-94-1-AR 72, *Appeals Chamber, ICTY*, 1995.

¹⁰ The Prosecutor v. kupreskić (Lasva Valley Case), 14 Jan, *Trial Chamber, ICTY*, 2000.

¹¹ The Prosecutor v. Tihomir Blaskic, Op. Cit.

¹² The Prosecutor v. Milan Martić. "Summary of the Appeal Judgement", 8 October, *ICTY*, 2008.

به‌منزله یک قاعده عرفی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی توجه کرده است. در قضیه بلاشکیچ نیز دادگاه انهدام یک بیمارستان را جنایت محسوب کرد و این موضوع به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی شناخته شد. بر این اساس، در رسیدگی‌های پس از جنگ دوم جهانی و نیز پرونده‌های مطروحه در برابر دادگاه یوگسلاوی سابق متهمان به دلیل نقض این قاعده گناهکار شناخته شدند. در پرونده آکائیسو، حقوق عرفی بشردوستانه بین‌المللی نیز مستند رأی دادگاه قرار گرفت.^۱ لذا از مجموع رویه‌های قضایی مذکور این استنباط کسب می‌شود که رویه دادگاه‌های بین‌المللی به‌ویژه یوگسلاوی سابق نقش بسیار مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی در حوزه‌هایی همچون تمایز بین اهداف نظامی و اشخاص غیرنظامی، لزوم اتخاذ تدابیر احتیاطی در برابر اثرهای حمله و اخطار مؤثر قبل از حمله به مناطق غیرنظامی و حتی ضرب و شتم‌های موردی و خاص ایفا کرده است.

۱.۳. نقش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در توسعه جنایات بین‌المللی زیست‌محیطی

یکی از آثار حقوق بشردوستانه بر حقوق بین‌الملل کیفری، ترغیب دیوان کیفری بین‌المللی به حمایت از محیط‌زیست است. نمی‌توان محیط‌زیست را محیطی انتزاعی در نظر گرفت، بلکه محیط‌زیست فضای زندگی است و وجود تعهد عمومی دولت‌ها در حوزه محیط‌زیست، هم‌اکنون بخشی از حقوق بین‌الملل مربوط به محیط‌زیست است و خدشه به آن در حقوق بین‌الملل نوین مشمول مبارزه با بی‌کیفیت مانی قرار گرفته است. حقوق بشردوستانه در حوزه حمایت از محیط‌زیست نیز ورود داشته و دو رویکرد را اتخاذ کرده است.^۲

۱- حمایت غیرمستقیم از محیط‌زیست با حمایت از اموال و اشیای غیرنظامی و منع حمله علیه فعالیت‌ها و تأسیساتی که حاوی نیروهای خطرناک هستند. در این رویکرد، هدف اصلی محافظت از انسان در برابر آسیب رسیدن به اشیایی است که برای بقای او ضروری است. به‌عنوان مثال، حفاظت از خطوط لوله نفتی که هنگام بمباران می‌توانند منابع آب مورد استفاده مردم غیرنظامی را آلوده کنند.

۲- حمایت مستقیم از محیط‌زیست: در رویکرد دوم به حملاتی اشاره می‌شود که به‌طور خاص محیط‌زیست را هدف قرار می‌دهند و باعث آسیب گسترده، طولانی‌مدت و شدید محیطی می‌شوند. این حمایت زمانی برقرار می‌شود که هیچ ضرورت نظامی یا تناسب بین خسارت ایجادشده و مزیت نظامی دریافت‌شده وجود نداشته باشد. در این رویکرد، محیط‌زیست به‌عنوان موضوع و هدف، مورد حمایت حقوق بشردوستانه در مخاصمات تلقی می‌شود. لیکن حمایت از چرخه و اکوسیستم طبیعی در نهایت منجر به حمایت از انسان می‌شود.

بند یک ماده سی‌وپنج پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ که محدودیت انتخاب روش‌ها و ابزار جنگیدن را مقرر داشته است، می‌تواند ممنوعیت استفاده از ابزار تخریب محیط‌زیست را دربرگیرد. این مقرر با صراحت بیشتر در بند سه ماده سی‌وپنج و بند یک ماده پنجاه‌وپنج پروتکل اول مقرر داشته است که هرگونه کاربرد ابزار و روش‌های جنگی که منجر به خسارت وسیع، پایدار و شدید در محیط‌زیست شود ممنوع است. بند دوم ماده ۵۵ پروتکل یادشده نیز اقدامات تلافی‌جویانه محیط‌زیستی را در شمار جنایت علیه حقوق بشردوستانه بین‌المللی برشمرده است. این رویه حقوق بشردوستانه، توسعه حقوق بین‌الملل عمومی را به دنبال داشته است؛ به‌نحوی که منع حملات تلافی‌جویانه محیط‌زیستی در نظر مشورتی

¹. The Prosecutor Versus Jean-Paul Akayesu. Case No. ICTR-96-4-T, "Judgement", 2 Sep, 1998, P 464.

². Ramírez Gutiérrez, Camilo. Eslava, A. Sebastian Saavedra. "Protection of the Natural Environment Under International Humanitarian Law and International Criminal Law: The Case of the Special Jurisdiction for Peace in Colombia", *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*, Volume 25, Issue 1, 2020, P 142.

دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای نیز مورد تأیید قرار گرفت.^۱ قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد به‌عنوان نمود عینی قواعد عرفی حقوق بشردوستانه در این حوزه قابل بررسی است. یکی از این قطعنامه‌ها مربوط به قطعنامه سال ۱۹۶۹ در خصوص سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی است^۲ که با اشاره به پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو در خصوص منع به‌کارگیری گازهای خفه‌کننده و سمی، استفاده از هر عامل شیمیایی و بیولوژیکی را که منجر به آسیب انسان، حیوانات و گیاهان گردد، ناقض اصول کلی شناخته‌شده حقوق بین‌الملل تلقی کرده است. در سال ۱۹۹۳ نیز دولت‌ها طی قطعنامه‌ای^۳ موافقت کردند که اقدامات خود را در مخاصمات مسلحانه در انطباق با حقوق بین‌الملل قابل‌اعمال در حمایت از محیط‌زیست قرار دهند. به‌صورت ضمنی کشورها در این قطعنامه بر وجود چنین حقوقی در حقوق بین‌الملل صحه گذاشته‌اند. با این رویکرد می‌توان تخریب محیط‌زیست را ناقض اصل منع گرسنگی علیه جمعیت غیرنظامی (مقرر در بند یک ماده پنجاه‌وچهار پروتکل الحاقی اول) و همچنین ناقض منع کوچ اجباری (مقرر در بخش الف بند چهار ماده هشتادوپنج پروتکل اول) تلقی کرد.

اثر این مقرره‌های حقوق بشردوستانه در ماده هفت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی متجلی است. ماده هفت در برشمردن جنایات علیه بشریت، از ریشه‌کن کردن جمعیت نام می‌برد و ریشه‌کن کردن را شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی، که محرومیت از دسترسی به غذا یکی از موارد آن است، دانسته و لذا تخریب محیط‌زیست را در حدی که منجر به محرومیت از دسترسی به غذا شود می‌توان از مصادیق جنایات علیه بشریت و مشمول ماده هفت دانست. چنین رویکردی در سازوکار دیوان‌های کیفری بین‌المللی مشاهده نشده بود، تا اینکه در سال ۲۰۱۶ در یک تغییر رویکرد، دادستان دیوان بین‌المللی کیفری در گزارش سیاست‌های اتخاذی و اولویت‌های دیوان اعلام داشت که جنایاتی که منجر به «تخریب محیط‌زیست»، «استثمار منابع طبیعی» و «تصرف غیرقانونی زمین» شود را در اولویت قرار خواهد داد^۴ و در این رابطه حتی پیشنهاد شناسایی جنایت بین‌المللی جدیدی تحت عنوان «اکو ساید»^۵ را براساس حقوق عرفی بین‌المللی مطرح شده است^۶. رای‌نپولد گالمتزر^۷، یکی از اعضای گروه کاری دیوان که سند سیاست‌گذاری مذکور را تهیه کرده، در این خصوص اظهار داشته است که انتقال اجباری افراد در نتیجه زمین‌خواری و جنایات زیست‌محیطی می‌تواند جنایت علیه بشریت تلقی شود.^۸ سیاست‌های اعلامی یادشده هرچند دارای ارزش نمادین و مقدماتی است، نشان‌دهنده این واقعیت است که جنایات زیست‌محیطی در آینده جدی‌تر مدنظر خواهد بود.^۹

مقرره‌های زیست‌محیطی حقوق بشردوستانه به شرحی که گذشت، بر حقوق بین‌الملل کیفری، اثری توسعه‌ای داشته، ولی منحصر به جنایات علیه بشریت نبوده است. دیوان بین‌المللی کیفری تحمیل عمدی آسیب گسترده، طولانی‌مدت و

^۱ ICJ Reports: "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons", *Advisory Opinion*, 1996, Para: 242.

^۲ A/Res/2603 (XXIV) (16 December); Question of Chemical and Bacteriological (Biological) Weapons Unga 1, 1969.

^۳ A/Res/47/37. 9 Feb. *Protection of the Environment in Times of Armed Conflict*, 1993.

^۴ Mistura, Alessandra. "Is There Space for Environmental Crimes Under International Criminal Law? The Impact of the Office of the Prosecutor Policy Paper on Case Selection and Prioritization on the Current Legal Framework", *Columbia Journal of Environmental Law*, Volume 43, Issue 1, 2019.

^۵ Ecocide.

^۶ Greene, Anastacia, "The Campaign to Make Ecocide an International Crime: Quixotic Quest or Moral Imperative?", *Fordham Environmental Law Review*, Volume 30, Issue 3, 2019, P 1.

^۷ Reinhold Gallmetzer.

^۸ Vidal, John. Bowcott, Owen. "ICC widens remit to include environmental destruction cases", *Uk: The Guardian*, 2016, P 1.

^۹ Payal Patel. "Expanding Past Genocide, Crimes Against Humanity, and War Crimes: Can an ICC Policy Paper Expand the Court's Mandate to Prosecuting Environmental Crimes?", Volume 14. issue 2, 2016.

شدید به محیط‌زیست را که برگرفته از مادهٔ سی‌وپنج پروتکل اول الحاقی است، جنایت جنگی تلقی می‌کند (بند ب ماده هشت). نکتهٔ قابل توجه در نگارش این مقررۀ زیست‌محیطی در اساسنامهٔ دیوان آنکه چهار مؤلفهٔ عمدی بودن، گستردگی، طولانی‌مدت بودن و شدید بودن بایستی باهم به منصفهٔ ظهور برسند تا بتوان به جرم‌انگاری مدنظر مقررۀ مادهٔ هشت اساسنامه رسید و با توجه به ماهیت پیوندی این اصطلاحات، قاعداً اثبات بروز چنین جنایتی مشکل خواهد بود. نکتهٔ مهم آنکه نباید اجازه داد تا با استناد به مزیت نظامی، مبادرت به وارد کردن عمدی صدمات گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط‌زیست نمود؛ چراکه این رویه اثر عملی این جرم‌انگاری را ملغی می‌کند. ارتباط حق زندگی در یک محیط سالم و مولد زیست‌محیطی با حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی هنوز ارتباطی قوام‌یافته نیست. در این راستا اقدامات دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند به بسط و توسعهٔ حمایت از حق بر محیط‌زیست به‌عنوان یکی از پایه‌های حقوق بشردوستانه بین‌المللی منجر شود. مقابله با شدیدترین جنایات جنگی به‌منظور حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه در حقوق بشردوستانه بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است؛ اما اثرهای تخریب محیط‌زیست بر بشر گاهی آثار سوء بیشتری بر بشریت به‌جا می‌گذارد. عدم توجه به عدالت زیست‌محیطی از اموری است که بسط آن در حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌تواند رنج و آلام ناشی از آثار زیان‌بار تخریب محیط‌زیست بر انسان‌ها را کاهش دهد و این مهم مستلزم تأثیر متقابل نظام کیفری بین‌المللی و حقوق بشردوستانه است. قربانیان تحت‌الحمايه این دو نظام حقوقی، قاعداً انسان‌هایی اند که در زمان حال درد و رنج شدید روحی و جسمی در اثر نقض شدیدترین جنایات جنگی به آنها وارد شده است؛ اما با اتخاذ رویکرد جدید دیوان کیفری بین‌المللی از سال ۲۰۱۶ در خصوص برخورد کیفری با جنایات زیست‌محیطی، باید این‌گونه تحلیل کرد که توسعهٔ حقوق کیفری بین‌المللی و بالطبع تأثیر آن بر حقوق بشردوستانه باعث می‌شود قربانیانی تحت‌الحمايه این دو نظام حقوقی قرار بگیرند که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته‌اند و قرار است در قرن‌های بعدی از محیط‌زیست فعلی بهره ببرند.

۲. نوآوری‌های ناشی از تأثیرات متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری

تأثیرات متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری قاعداً منجر به توسعه و تحول در حقوق بین‌الملل نیز شده است. بسط و گسترش مسئولیت کیفری فردی و توسعه دامنهٔ شمول قواعد حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانهٔ بین‌المللی به ساحت مخاصمات مسلحانهٔ غیربین‌المللی از مهم‌ترین آثار تأثیرات متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری بر روند توسعه و تحول حقوق بین‌الملل است. همچنین اثر مقررات حقوق بشردوستانه در حوزهٔ حمایت از آثار فرهنگی و تاریخی، موجب توسعهٔ حقوق بین‌الملل کیفری در زمینهٔ جرم‌انگاری موسع این جنایات بین‌المللی و در نتیجه منجر به توسعهٔ تدریجی حقوق بین‌الملل شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۲.۱. تأثیرات متقابل در توسعه و تحول حقوق مخاصمات مسلحانهٔ غیربین‌المللی

جنگ‌های داخلی به‌اندازهٔ جنگ بین دولت‌ها می‌توانند ویران‌کننده باشد. آنجا که مخاصمات مسلحانهٔ غیربین‌المللی عموماً در سرزمین دولت‌های ناتوان جریان دارند، مشخصهٔ آنها در واقع نبود ارتش منضبط و دارای ساختار نظامی است. به‌این‌ترتیب آثار این دسته از مخاصمات مسلحانه بر غیرنظامیان به‌مراتب از میزان خساراتی که ممکن است از مخاصمات بین‌المللی حاصل شود، فزاینده‌تر می‌رود. اما رویه‌های اخیر دیوان کیفری بین‌المللی با استعانت از حقوق بشردوستانه منجر به مقابله با این مخاصمات در حقوق بین‌الملل شده است. تاندازه‌های تعارضات مسلحانهٔ داخلی تحت‌الشعاع مقررات حقوق بشردوستانه

بین‌المللی قرار دارد و در شمول ماده سه مشترک چهار عهدنامه ژنو قرار گرفته است. پروتکل اول الحاقی و پروتکل دوم نیز به این مسئله اشعار دارند، اما نسبت به ماده سه مشترک حوزه محدودتری دارند. ماده سه مشترک متضمن قواعدی است که دیوان بین‌المللی دادگستری آنها را به‌عنوان «اصول عمومی حقوق بشردوستانه بین‌المللی» تعریف و توصیف کرده است؛^۱ اما پروتکل دوم الحاقی را نمی‌توان هنوز به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تلقی کرد.^۲

بی‌رحمی‌هایی که در جریان منازعات مسلحانه در یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاد، آشکارا به دیدگاه اخیر کمک کرده است. دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ^۳ چنین حکم کرده که به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی تخلفات مهم از ماده سه مشترک قابل تعقیب است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌دقت مصادیق جنایات مهم قابل اجرا در منازعات مسلحانه داخلی را برشمرده است که در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد. دادگاه یوگسلاوی سابق نیز در سال ۲۰۰۰ در پرونده کوپرسکیچ^۴ به این نتیجه رسید که در بند شش ماده پنجاه‌ویک پروتکل اول، که به نظر می‌رسد انعکاس حقوق بین‌الملل عرفی نیز باشد، اقدامات ممنوع انجام‌شده خواه توسط مهاجمان یا مدافعان، صرف‌نظر از انتساب آن اعمال به دولت، اعمال جنایتکارانه محسوب می‌شوند. درواقع این مورد مطرح می‌شود که اعمال مذکور صرف‌نظر از ارتکاب در عرصه بین‌المللی یا غیربین‌المللی می‌بایست جنایت محسوب شوند. در توسعه حقوق قابل اعمال در درگیری‌های داخلی، بیشترین نقش را اساسنامه دادگاه یوگسلاوی دارد که در مواد دو و سه، صلاحیت دادگاه یوگسلاوی را در مورد نقض عمده کنوانسیون‌های ژنو و تخلف از قواعد و عرف‌های جنگی پذیرفته است. علاوه بر این ماده چهار اساسنامه دادگاه رواندا، ماده هشت اساسنامه رم و ماده سه اساسنامه دادگاه سیرالئون به‌صراحت به احاطه این نوع جنایت بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در توسعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی اشاره کرده‌اند. در رأی تادیچ شعبه رسیدگی کننده اظهار می‌کند که ارتباط آشکاری بین جنایت ارتكابی و درگیری مسلحانه وجود دارد و کافی است ادعا شود که جنایت‌های مربوط به متخاصمان در قسمتی از سرزمینی که توسط طرف‌های مخاصمه کنترل می‌شود اتفاق افتاده است. رأی تادیچ به این حقیقت تأکید می‌کند که جنایت جنگی می‌تواند جدا از منطقه، زمان و مکانی محقق شود که منازعات در آنجا ارتکاب یافته است. اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق دستورالعملی است با گسترده‌ترین موضوع صلاحیتی در درگیری‌های مسلحانه داخلی، ولیکن اساسنامه دادگاه رواندا ویژه درگیری‌های غیربین‌المللی است. ماده چهار اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا یک شبکه امنیتی را ایجاد کرده که بزرگ‌ترین نوآوری و ابتکار اساسنامه محسوب می‌شود. طبق ماده چهار ممکن است اشخاصی را که مرتکب نقض جدی ماده سه کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل دوم الحاقی شده‌اند تحت تعقیب قرار داد. ماده چهار برای دیوان صلاحیت رسیدگی به نقض ماده سه مشترک و پروتکل دوم را در نظر گرفته است. نقض‌های پیش‌بینی‌شده در ماده چهار اساسنامه تمثیلی‌اند نه حصری. تمایل به سمت‌وسوی در نظر گرفتن ماده سه مشترک و پروتکل دوم الحاقی به‌عنوان مبنایی برای مسئولیت کیفری فردی وجود دارد که در گزارش‌های مربوط به خشونت‌های داخلی در سرزمین رواندا مورد تأیید قرار گرفته است.

طراحان پیش‌نویس اساسنامه رم از نتایج نائل‌آمده به‌وسیله شعبه استیناف در رأی تادیچ تأثیر پذیرفتند؛ مبنی بر اینکه عملی که در درگیری‌های بین‌المللی غیرانسانی تلقی می‌شود نمی‌تواند انسانی و قابل پذیرفتن در درگیری‌های داخلی

1. Nicaragua v. United State of America, "Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua", 1986. Para 114.

2. The Prosecutor Versus Jean-Paul Akayesu, Op. Cit., P 604.

3. The Prosecutor v. Dusko Tadic. "Summary of Mary of Appeals Chamber Sentencing Judgement", 26 January, ICTY, 2000.

4. The Prosecutor v. Kupreskic, Op. Cit.

باشد^۱ و استنباط می‌شود که در اینجا به تدریج و آهسته قواعد و اصول مربوط به درگیری‌های بین‌المللی به درگیری‌های مسلحانه داخلی رخنه پیدا می‌کنند. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بعد از اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا دومین سندی است که صریحاً تعداد زیادی از جنایات جنگی ارتکاب‌یافته در درگیری‌های مسلحانه داخلی را در برمی‌گیرد. جنایات مذکور در پاراگراف دوم ماده هشت، اگرچه از نظر تعداد محدودند، تا حد زیادی باعث توسعه و قاعده‌مندی بیشتر حقوق بین‌الملل شده‌اند. مهم‌ترین آورده اساسنامه در خصوص جنایات جنگی در همین جا قابل جست‌وجو است که بسط مفهوم «جنایت جنگی» به این تخلفات را مُسجل کرد و قطعیت بخشید.^۲ تعریف جنایات جنگی در ماده هشت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و جرم‌انگاری نقض‌های برشمرده شده در آن ماده و عزم جامعه بین‌المللی بر بی‌کیفر نماندن چنین جنایاتی را می‌توان اثر توسعه تدریجی حقوق بشردوستانه بین‌المللی مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن دانست. نکته قابل توجه آنکه با استفاده از معنای ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو که مقرر می‌دارد طرفین باید در «هر شرایطی» مفاد این معاهدات را اجرا کنند، می‌توان ادعان داشت که اعمال قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی به اراده طرفین درگیر بستگی ندارد، بلکه به واقعیت عینی وجود درگیری مسلحانه بستگی دارد. وجود ارتباط بین رفتار و درگیری مسلحانه لزوماً به این معنی نیست که این عمل باید در منطقه جنگی یا در جریان حمله انجام شده باشد. این مقرره بشردوستانه منجر به رویه‌سازی در دیوان‌های کیفری بین‌المللی شده است؛ به نحوی که می‌توان به مصادیق مورد اشاره در ماده هشت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی همچون محروم کردن اسرای جنگی از حق محاکمه عادلانه و قانونی، تجاوز جنسی، حاملگی اجباری و در معرض آزمایش پزشکی قرار دادن اشاره کرد که غالباً این جنایات خارج از میدان جنگ صورت می‌گیرد. اثر این مقرره حقوق بشردوستانه بر روند قضایی دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز قابل مشاهده است. قاضی شهاب‌الدین در پرونده تادیچ^۳ ادعان داشت که این واقعیت که عمل متهم باید به درگیری مربوط باشد، به معنای انجام دادن آن در منطقه جنگی نیست. لذا مشاهده می‌شود که رویه دیوان‌های کیفری بین‌المللی با الهام از حقوق بشردوستانه ضمن تفسیر موسع حقوق بشردوستانه به توسعه حقوق بین‌الملل نیز منجر شده است.

۲.۲. تأثیرات متقابل در مسئولیت کیفری فردی

حقوق بین‌الملل عموماً به‌عنوان مجموعه مقررات تنظیم‌کننده روابط دولت‌ها شناخته می‌شود که براساس آن، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در ارتکاب هر نقض قاعده حقوق بین‌المللی مورد تأکید بوده، اما این قاعده مطلق نبوده و در اثرگذاری حقوق بشردوستانه بین‌المللی و دیوان‌های کیفری بین‌المللی قید تخصیص خورده است. در مجموع باید ادعان داشت که مفهوم مسئولیت کیفری دولت به‌طور کلی در حقوق بین‌الملل پذیرفته نیست.^۴ خطاب حقوق بین‌الملل سنتی را تا اواسط قرن بیستم می‌توان کشورها دانست، ولیکن بعد از آن بازه زمانی، این نیاز احساس شد که برای اثبات کارایی برخی از قواعد حقوق بین‌الملل، رسیدگی مستقیم به ارتکاب جنایات توسط اشخاص بایستی مدنظر قرار گیرد. مسئولیت کیفری فردی در ارتکاب جنایات جنگی یک اصل عمومی بین‌المللی است. دادگاه نظامی نورنبرگ اظهار داشت که جنایات علیه حقوق

^۱. La Haye, Eve. *War Crimes in Internal Armed Conflicts; Cambridge Studies in International and Comparative Law*, Cambridge University Press, First Edition, 2008, P 139.

^۲. ممتاز، جمشید و امیر حسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه-مخاصات مسلحانه داخلی*، تهران: میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۵۶.

^۳. The Prosecutor v. Dusko Tadic, Op. Cit., P 39.

^۴. Dixon, Martin. et al. *Cases and Materials on International Law*, Oxford University Press, 2016, P 541.

بین‌الملل توسط انسان و نه توسط اشخاص انتزاعی انجام می‌شود و فقط با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند می‌توان مفاد حقوق بین‌الملل را اجرا کرد. افراد وظایفی دارند که فراتر از تعهدات ملی در اطاعت از جانب کشورها است.^۱ اما در صورت نقض مفاد قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، دولت‌ها در این رابطه بی‌مسئولیت نخواهند بود. مسئولیت دولت‌ها در برابر اعمال ارتكابی اعضای نیروهای مسلح که تحت فرمان می‌باشند در حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌طور عام نادیده گرفته نشده است. مادهٔ نودویک پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ مقرر داشته که یک طرف درگیری که مفاد کنوانسیون ژنو یا این پروتکل را نقض می‌کند، در صورت مطالبه، مسئول پرداخت غرامت خواهد بود. اما اساس کاربر مسئولیت کیفری شخص مرتکب یا آمر است. اساسنامهٔ رم هرچند در مادهٔ هشت در مقام تدوین حقوق عرفی در خصوص جنایات جنگی برآمده است، با درج عبارت «به‌ویژه» در قالب یک برنامه یا سیاست‌گذاری عمومی یا در قالب ارتكاب گستردهٔ چنین جنایاتی، به توسعهٔ حقوق بین‌الملل نیز پرداخته و امکان پیگرد قضایی را برای اشخاصی غیر از مرتکبین و آمران مستقیم باز گذاشته و به عبارتی دامنهٔ تفسیر این قاعده را محدود نکرده است.

رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری به وضعیت جنگ داخلی در دارفور سودان را می‌توان به‌عنوان یکی از مصادیق بارز تأثیرگذاری این نهاد بین‌المللی دانست. قتل، حملات علیه مردم غیرنظامی، تخریب اموال، تجاوز، غارت، هتک حرمت کرامت انسانی، هدایت حملات علیه کارکنان، تأسیسات یا وسایل نقلیهٔ درگیر در یک مأموریت حفظ صلح به‌عنوان مصادیق جنایات جنگی ارتكابی در قضیهٔ دارفور شناخته شد که عمر البشیر فارغ از سمت رسمی وی، در راستای مسئولیت کیفری شخصی تحت تعقیب دیوان قرار گرفت.^۲ دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نیز اصل مسئولیت شخصی کیفری را در یک مخاصمه مسلحانهٔ قومی (غیربین‌المللی) به رسمیت شناخت.^۳ اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری نیز صریحاً مسئولیت کیفری افراد را برای ارتكاب اعمال فهرست‌شده در مادهٔ هشت در درگیری‌های مسلحانهٔ داخلی پیش‌بینی می‌کند. مادهٔ چهل‌ونهم کنوانسیون اول ژنو، مادهٔ پنجاه کنوانسیون دوم، مادهٔ صدویست‌ونهم کنوانسیون سوم و صدوچهل‌وشش کنوانسیون چهارم ژنو همگی بر مسئولیت کیفری افراد ناقض مقررات حقوق بشردوستانه تأکید دارند. این اسناد دولت‌های متعاقد را ملزم می‌کنند که کلیهٔ اقدامات قضایی و تقنینی لازم را برای تعیین مجازات مرتکبین یا آمرین به عمل آورند. اثر این مقرردهٔ حقوق بشردوستانه را می‌توان در همکاری دولت‌ها در خصوص اجرای حکم دستگیری صادره از دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص «آلفرد یکاتوم»^۴ و «حسن آغ عبدالعزیز آغ محمد»^۵ در سال ۲۰۱۸ مشاهده کرد.

اثرگذاری حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی گاهی رابطهٔ دوسویهٔ اصطلاحاً پینگ‌پنگی به خود می‌گیرد. به این نحو که یک رویهٔ حقوق بین‌الملل بین این دو نهاد به‌اندازه‌ای رفت‌وبرگشت می‌کند که به عرف و قاعدهٔ معاهداتی حقوق بین‌الملل تبدیل می‌شود. هم‌زمان که کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو بر اصل مسئولیت کیفری فردی تأکید می‌ورزند، دیوان‌های کیفری نیز این قاعدهٔ حقوق بین‌الملل را در اساسنامه و رویهٔ قضایی خود به کار می‌گیرند. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز مسئولیت کیفری اشخاص مرتکب نقض مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی را به رسمیت شناخته بود (بند یک، دو و چهار هفت). دیوان بین‌المللی کیفری رواندا هم مسئولیت کیفری شخصی را در خصوص نقض مقررات حقوق بشردوستانهٔ بین‌المللی و سایر جنایات مندرج در اساسنامهٔ آن، مورد شناسایی قرار داده

¹ Nuremberg trials. "Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal", Volume I, Nuremberg, 1947, Para 223.

² Situation in Darfur, Sudan: ICC-02/05.2005.

³ Statute of the International Tribunal for Rwanda: Article 6.

⁴ ICC-CPI-20181123-PR1419, 2018.

⁵ ICC-01/12-01/18. Case Information Sheet: Situation in Mali, The Prosecutor v. Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud, ICC-PIDS-CIS-MAL-02-010/20, 2020.

است (ماده شش). دیوان کیفری بین‌المللی رم نیز به‌مثابه دیوان‌های کیفری سلف خود بر مسئولیت کیفری شخصی در خصوص نقض شدید مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی و سایر جنایات مهم بین‌المللی مندرج در اساسنامه آن تأکید دارد (ماده بیست‌وپنج). در مجموع این رویه دیوان‌های کیفری در تحقق بخشی به مسئولیت کیفری فردی در نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه منجر به آن شد که امروزه حقوق بین‌الملل مسئولیت کیفری فردی را به‌عنوان امری مسلم پذیرا باشد.

۲.۳. تأثیرات متقابل در آثار فرهنگی و تاریخی

حقوق بشردوستانه نسبت به آثار فرهنگی و تاریخی دغدغه‌مند قلمداد می‌شود. ماده پنجاه‌وشش مشترک کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه به تبیین و تدوین مقررات حفاظتی در خصوص اموال فرهنگی و علمی و مذهبی در طی مخاصمات مسلحانه پرداخته است. پیمان حمایت از اموال علمی، هنری و آثار تاریخی ۱۹۳۵ زوریخ که بین ایالات متحده و کشورهای امریکای لاتین امضا شده است، نیز بر ضرورت حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه تأکید می‌ورزد. در مقدمه این پیمان حفظ اموال فرهنگی غیرمنقول در هر دو زمان صلح و جنگ مدنظر قرار گرفته است. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو فاقد مقرره‌ای در این خصوص‌اند، اما در پروتکل‌های دوگانه الحاقی به این کنوانسیون‌ها، حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار گرفته است. حقوق بشردوستانه نه‌فقط ارتکاب هرگونه عملی علیه آثار تاریخی، آثار هنری یا عبادتگاه‌ها که میراث فرهنگی یا معنوی مردم را تشکیل می‌دهند ممنوع دانسته، بلکه اقدامات تلافی‌جویانه در حمله به چنین آثاری را نیز منع کرده است. حقوق بشردوستانه حتی پا را فراتر نهاده و در مواردی که تردیدی در خصوص استفاده نظامی از اماکن باستانی یا فرهنگی همچون عبادتگاه‌ها وجود دارد، مقرر داشته است که باید این تردید را به نفع آثار فرهنگی و تاریخی تفسیر کرد و از حمله به آنها خودداری کرد. به‌عبارتی تمامی اماکن مذهبی فارغ از اینکه میراث فرهنگی محسوب شوند یا خیر، در دایره حمایتی حقوق بشردوستانه قرار خواهند گرفت.^۱

ماده شش اساسنامه دادگاه نورنبرگ غارت اموال عمومی و خصوصی را به‌مثابه یکی از مصادیق جنایات جنگی برشمرده است و دادگاه در اتهامات آلفرد روزنبرگ این موضوع را نیز در دستور رسیدگی کیفری قرار داد. در دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق به قضیه تخریب مساجد صربستان پرداخته شد؛ چراکه بر اساس بند (د) ماده سه اساسنامه آن دادگاه تصرف، تخریب و ایراد خسارت عامدانه به اماکن فرهنگی در زمره نقض قوانین و عرف جنگی تلقی می‌شد. در آرای مربوط به کوپرسکیچ و بلاسکیچ و نیز رأی کوردیچ نیز به بررسی اتهام تخریب اموال چه به‌صورت مستقیم و چه به‌صورت غیرمستقیم پرداخته شده است. یکی از شاخص‌ترین آرای را که دیوان صادر کرده باید رأی صادره در خصوص قضیه پاول استروگار دانست که براساس آن، دادگاه جنایتکار بودن استروگا را با استناد به بند (د) ماده سه اساسنامه دادگاه، به‌منظور نقض قواعد جنگی در تخریب و ایجاد صدمه عمدی به اماکن فرهنگی و تاریخی شهر تاریخی دوبرونیک در کرواسی محرز دانست. طبق رأی دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده پاول استروگار مکان تخریب‌شده از سال ۱۹۷۹ در لیست میراث تاریخی یونسکو به ثبت رسیده است؛^۲ لذا براساس این رویه‌های ذکرشده می‌توان ادعان داشت که تأثیرات حقوق

^۱. Sandoz, Yves. et al, *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949 Geneva by International Committee of the Red Cross*, Martinus Nijhoff Publishers, 1987, Comment 2043.

^۲. خسروی، حسن و فرید سلطان قیس، «حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل با نگاهی بر اقدام دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه کشور مالی»، *مجله مطالعات میان فرهنگی*، دوره ۱۲، شماره ۳۳، ۱۳۹۶، ص ۱۷۷.

بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در توسعه دامنه شمول حقوق بین‌الملل به مصادیق جنایات علیه آثار فرهنگی و تاریخی بسیار اثرگذار بوده است. اثر مقررات حقوق بشردوستانه در حوزه حمایت از آثار فرهنگی و تاریخی، موجب توسعه حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه جرم‌انگاری موسع این جنایات بین‌المللی شده است. بخش نه شق (ب) بند دو ماده هشت و بخش چهار شق (ه) بند دو ماده هشت اساسنامه رم حمله به اماکن فرهنگی و تاریخی را در زمره مصادیق جنایات جنگی برشمرده است. البته جرم‌انگاری را منوط به آن کرده که از این اماکن فرهنگی و تاریخی استفاده نظامی نشود. اولین پرونده‌ای که دیوان بین‌المللی کیفری در حوزه حمله به اماکن فرهنگی و تحت عنوان جنایت جنگی بدان ورود نمود، قضیه مربوط به پرونده احمد الفاقی المهدی^۱ در تخریب نه مقبره تاریخی و فرهنگی بود. لیکن این مهم که آیا قاعده تناسب در خسارات جانبی وارده بر اهداف غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز قاعده عرفی محسوب می‌شود محل تردید است.^۲

نتیجه‌گیری

هرچند حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سال ۱۹۴۹ به‌طور رسمی در قالب قراردادهای چهارگانه ژنو شکل گرفت و ردپای حقوق بین‌الملل کیفری بعد از پایان جنگ جهانی دوم در قالب دادگاه‌های نورنبرگ در سال ۱۹۴۵ و توکیو ۱۹۴۶ و بعد از دادگاه‌های مختلط و اختصاصی به‌طور رسمی و دائمی در قالب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ نمایان شد و در مقاطع مختلف تاریخ و به‌طور جداگانه گسترش یافته‌اند، اما توسعه آنها به موازات و در کنار یکدیگر بوده و کماکان تأثیرات متقابل برهم دارند. از دیگر تأثیرات این دو نظام حقوقی می‌توان به توسعه مفهوم حقوق عرفی بشردوستانه بر اثر رویه دیوان‌های کیفری بین‌المللی اشاره کرد و همچنین رویه دیوان‌های کیفری در تحقق بخشی به مسئولیت کیفری فردی در نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه منجر به آن شد که امروزه حقوق بین‌الملل مسئولیت کیفری فردی را به‌عنوان امری مسلم پذیرا باشد و تأثیرات حقوق بین‌الملل کیفری بر توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حوزه‌هایی همچون نقض حق حیات، شکنجه و مجازات یا رفتار غیرانسانی، برده‌داری و کار اجباری سبب تفسیر حجم قابل‌توجهی از قواعد ماهوی همچون توسعه مفهوم عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و به رسمیت شناختن اصل مسئولیت شخصی کیفری در یک مخاصمه مسلحانه قومی (غیر بین‌المللی) شده است. همچنین سبب اجرای مؤثر آن شده است؛ چراکه مزایای اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه از طریق حقوق بین‌الملل کیفری شامل اثر پیشگیرانه و بازدارنده و فردی کردن مسئولیت است و محاکمات کیفری مطابق یک رویه منصفانه و منطبق با موازین و انتساب حقوق و تعهدات دولت به مسئولان است. امروزه مداخله حقوق کیفری در وضعیت‌ها و مخاصمات ایجادشده در حوزه‌های حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه به آن چنان بلوغ و تکاملی رسیده که می‌توان سخن از نظام حقوق موضوعه کیفری بین‌المللی به میان آورد. اساسنامه دیوان کیفری با نوآوری در زمینه جرم‌انگاری، نقض بعضی از مقررات حقوق بشردوستانه را تحت عنوان جنایت جنگی داخل کرده است که در پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ وجود ندارد. نظر به ضرورت تعریف دقیق جنایت به‌عنوان یکی از اصول اساسی نظام حقوق بین‌الملل کیفری، توسعه این نظام به‌ناگزیر موجب ابهام‌زدایی از تعریف موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است و قواعد حقوق بشردوستانه نیز موجب توسعه تدریجی

^۱. The Prosecutor V. Ahmad Al Faqi Al Mahdi. ICC-01/12-01/15, 2016

^۲. زحمت‌کش، مجید و علیرضا آرش‌پور، «راهکارهای حمایتی حقوق بین‌الملل عرفی از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۹، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲.

حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه جرم‌انگاری‌های جدید و در نتیجه توسعه حقوق بین‌الملل در حوزه‌های جنایات بین‌المللی زیست‌محیطی و جنایات علیه آثار فرهنگی و تاریخی شده است و قطعاً حقوق بشردوستانه بین‌المللی ایجاب می‌کند که نظام کیفری بین‌المللی به‌منظور حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه به این دو وادی ورود کند. اثر مقررات حقوق بشردوستانه در حوزه حمایت از آثار فرهنگی و تاریخی، موجب توسعه حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه جرم‌انگاری موسع این جنایات بین‌المللی شده است و این اثر متقابل منجر به توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل می‌شود.

منابع

کتاب

۱. شایگان، فریده و جمشید ممتاز، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر*، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۳.
۲. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه-مخاصمات مسلحانه داخلی*، تهران: میزان، ۱۳۸۴.

مقاله

۳. خسروی، حسن و فرید سلطان قیس، «حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل با نگاهی بر اقدام دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه کشور مالی»، *مجله مطالعات میان فرهنگی*، دوره ۱۲، شماره ۳۳، ۱۳۹۶.
۴. زحمت‌کش، مجید و علیرضا آرش‌پور، «راهکارهای حمایتی حقوق بین‌الملل عرفی از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۹، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۵. علیزاده جواهری، سید میلاد، عباس شیخ‌الاسلامی و جعفر کوشا، «چالش‌ها و موانع جرم‌انگاری و کیفر جنایات ناقص حقوق بشردوستانه. تحقیقات حقوقی بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، دوره ۱۵، شماره ۵۶، ۱۴۰۱.
۶. مولاوردی، شهین‌دخت، «تأثیر حقوق و محاکم کیفری بین‌المللی بر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۷. نوروزی، میثم، «ابعاد و فرآیندهای متقابل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در حوزه قواعد شکلی»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره ۲، شماره ۲۱، ۱۳۹۶.

پایان‌نامه

۸. سیاپوش، علی‌اکبر، «نقش محاکم کیفری بین‌المللی در توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۷.

جزوه درسی

۹. رضوی‌فرد، بهزاد، «مسئله مجازات در حقوق دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا در پرتو حقوق کیفری بین‌المللی معاصر»، مقطع دکتری، رشته حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵.

References

Books

1. Cassese, Antonio. *International Criminal Law*, Oxford University Press, Second Edition, 2008.
2. Dixon, Martin. et al, *Cases and Materials on International Law*, Oxford University Press, 2016.

3. Doria, José. et al, *The Legal Regime of the International Criminal Court*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009.
4. Heller, Kevin Jon. et al, *Oxford Handbook of International Criminal Law*, Oxford University Press, 2020.
5. La Haye, Eve. *War Crimes in Internal Armed Conflicts; Cambridge Studies in International and Comparative Law*, Cambridge University Press, First Edition, 2008.
6. Momtaz, Jamshid and Amirhossein Ranjbarian, *International Humanitarian Law-Internal Armed Conflicts*, Tehran: Mizan, 2005. (in Persian)
7. Sandoz, Yves. et al, *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949 Geneva by International Committee of the Red Cross*, Martinus Nijhoff Publishers, 1987.
8. Shaygan, Farideh and Jamshid Momtaz, *International Humanitarian Law Against the Challenges of Armed Conflicts in the Present Era*, Tehran: Shahr-e-Danesh, 2014. (in Persian)

Articles

9. Alizadeh Javaheri, Sayyed Milad, Abbas SheikholEsalami and Jafar Koosha, “Challenges and Obstacles to Criminalization and Punishment of Crimes Violating Humanitarian Law”, *Journal of International Legal Research*, Volume 15, Number 56, 2022. (in Persian)
10. Greene, Anastacia, “The Campaign to Make Ecocide an International Crime: Quixotic Quest or Moral Imperative?”, *Fordham Environmental Law Review*. Volume 30, Issue 3, 2019.
11. Khosravi, Hassan and Farid Soltan Qeis, “Protection of Cultural and Historical Property in International Law with a View of the Action of the International Criminal Court in the Mali Case”, *Journal of Intercultural Studies*, Volume 12, Issue 33, 2017. (in Persian)
12. Mistura, Alessandra. “Is There Space for Environmental Crimes Under International Criminal Law? The Impact of the Office of the Prosecutor Policy Paper on Case Selection and Prioritization on the Current Legal Framework”, *Columbia Journal of Environmental Law*, Volume 43, Issue 1, 2019.
13. Molaverdi, Shahin-Dokht, “The effect of International Criminal Laws and Tribunals on Human Rights and Humanitarian Laws”, *International Studies Journal*, Volume 13, Issue 1, 2016. (in Persian)
14. Norouzi, Meysam, “Dimensions and Mutual Processes of International Humanitarian Law and International Criminal Law in the Field of adjective law”, *Monthly Journal of Research on Nations*, Volume 2, Issue 21, 2017. (in Persian)
15. Ramírez Gutiérrez, Camilo. Eslava, A. Sebastian Saavedra. “Protection of the Natural Environment Under International Humanitarian Law and International Criminal Law: The Case of the Special Jurisdiction for Peace in Colombia”, *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*, Volume 25, Issue 1, 2020.
16. Vidal, John. Bowcott, Owen. “ICC Widens Remit to Include Environmental Destruction Cases”, Uk: *The Guardian*, 2016.
17. Zahmat-kesh, Majid and Alireza Arash-Pour, “Customary International Law Solutions to Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflicts”, *Journal of Legal Studies of Shiraz University*, Volume 9, Issue 1, 2017. (in Persian)

Thesis

18. Siapoosh, Ali Akbar, “The Role of International Criminal Courts in the Development of International Humanitarian Law”, PhD Thesis, Tehran: *Shahid Beheshti University*, 2018. (in Persian)

TextBook

19. Razavifard, Behzad, "The Issue of Punishment in the International Tribunals of the Former Yugoslavia and Rwanda in the Light of Contemporary International Criminal Law," Doctoral Course, International Law, Tehran: Allameh Tabatabaei University, 2016. (in Persian)

Documents

20. A/Res/2603 (XXIV) (16 December); Question of Chemical and Bacteriological (Biological) Weapons Unga 1, 1969.
21. A/Res/47/37. 9 FEB. *Protection of the Environment in Times of Armed Conflict*, 1993.
22. Bensouda, Fatou. "Document of 15th Session of the Assembly of States Parties", 16 November, *World Forum*, The Hague, Netherlands, 2016.
23. S/25704,3 May, 1993.
24. Treaty on the Protection of Artistic and Scientific Institutions and Historic Monuments (Roerich Pact). Washington, 15 April. 1935.

Cases

(ICC)

25. ICC-01/12-01/18. Case Information Sheet: Situation in Mali, The Prosecutor v. Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud, Icc-Pids-Cis-Mal-02-010/20, 2020.
26. ICC-CPI-20181123-Pr1419, 2018.
27. Situation in Darfur, Sudan: Icc-02/05.2005.
28. The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi. Icc-01/12-01/15, 2016.

(ICJ)

29. ICJ Reports: "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons", *Advisory Opinion*, 1996.
30. Nicaragua v. United State of America, "Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua", 1986.

(ICTY)

31. Blaškić case, Judgement, 3 March, § 180, ICTY.2000.
32. Final Report to the Prosecutor by the Committee Established to Review the NATO Bombing Campaign Against the Federal Republic of Yugoslavia, *The Hague*, 14 June, § 29, ICTY, 2000.
33. Judgement of Trial Chamber III in The Kordić and Čerkez case, ICTY.26 Feb, 2001.
34. The Prosecutor v. Dusko Tadić. "Summary of Majority of Appeals Chamber Sentencing Judgement", 26 January, *ICTY*, 2000.
35. The Prosecutor v. Kupreskić (Lasva Valley Case), 14 Jan, *Trial Chamber*, *ICTY*, 2000.
36. The Prosecutor v. Milan Martić. "Summary of the Appeal Judgement", 8 October, *ICTY*, 2008.
37. The Prosecutor v. Tadić, "Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction", 2 October., Case No. IT-94-1-AR 72, *Appeals Chamber*, *ICTY*, 1995.
38. The Prosecutor v. Tihomir Blaskić. "Statement of the Trial Chamber at the Judgement Hearing", 3 March, *ICTY*, 2000.

(ICTR)

39. The Prosecutor Versus Jean-Paul Akayesu. Case No. ICTR-96-4-T, "Judgement", 2 Sep, 1998.

Nuremberg trials

40. Nuremberg trials. "Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal", Volume I, *Nuremberg*, 1947.

Report

41. Payal Patel. "Expanding Past Genocide, Crimes Against Humanity, and War Crimes: Can an ICC Policy Paper Expand the Court's Mandate to Prosecuting Environmental Crimes?", Volume 14, issue 2, 2016.